

هنر فردا ART TOMORROW

نشریه هنر معاصر | شماره ۳+۲۸، زمستان ۱۳۸۹

«هنر معاصر و فرامحلی بودن»

پرونده هنرمند: کوروش شیشه‌گران

با آثار و گفتاری از:
پویا آریان‌پور، علی اتحاد، پرویز براتی، اصلی چتین‌کایا، مهدی حسینی، وحید حکیم، هلیا دارابی، احمد رضا دالوند، عباس دانشوری، میشل دویلده، ایریت راکوف، هو ژن، زینب سدیره، علیرضا سمیع‌آذر، حمید سوری، کوروش شیشه‌گران، بهرنگ صمدزاده‌گان، محمد باقر ضیایی، تینا کاترین اولتریشی، بهنام کامرانی، بیتر کراس، سیمین کرامته، حمد کشمیر شکن، ادوارد لوسی اسمیت، آذر محمودیان، داریوش معاون دوست، میشل هوپل

THE STORY OF THE ONE WHO FLED RANA FARNOUD'S PAINTINGS ETEMAD GALLERY, DECEMBER 2010

Rana Farnoud is a painter who is known for her abstract paintings. Farnoud's last solo exhibition was held eight years ago at Golestan Gallery, and so it seemed as if the artist had kept silent for about a decade. Her recent exhibition in Etemad Gallery indicated that all these years were not years of silence, but marked a period of transition from an earlier to a new phase in her work. Farnoud's new set of works reveal human figures and other creatures that emerge in the work or in the artist's interpretation. They contain figures that used to be hidden in her abstract work, and have now come out of the darkness into the light. In creating the work, Farnoud has still continued the method used in her abstract work—meaning that the construction of each work is spontaneous and is done via an impulsive process. In the meantime the figures are slowly born on the ground of the work. Such a process is a metaphor for life on earth. Farnoud's new series of works imply a critical situation: a crisis that not only humans, but all the creatures that share the same surroundings as the artist, confront. The artist believes that the scope of this crisis has expanded to an extent that has entirely embraced the sphere of her life. The artist describes the confrontation with this crisis and the damage done by it as a historical remembrance: a memory of captives who were released from jail hoping to take a shower, but who, shortly after, found themselves inside a gas chamber. Rana Farnoud, in this group of works, has an identical impression of the work and its title. Therefore the title of each work is a *predicate* that validates the *subject* of the image. *The Story of the One Who Fled, When the Sun Shines on Him, He Reflects Human Shadow Instead of His Own, An Animal and a Young Girl Are Thinking of the Same Thing, An Animal Gives Advice to the Woman Looking at the Sky*, etc. Such titles link the message of the works to a specific place and time period. Because the titles are based on the life experiences of the artist's compatriot viewers, the shared universal message of the works has been complemented by a meaning drawn from the background of the artist.

Farnoud's solo exhibition is a result of works done in the past two years; these are works that, in the artist's words, are a response to what she experienced. The artist has generalised her own situation as one in society, and presents her autobiographical work as coinciding with the narrative history of a nation. ■

Ali Eftebad

Rana Farnoud, *Animal and A Young Girl Thinking of the Same Thing* (2010), mixed media on canvas, 180x230 cm.

رنا فرنود، حیوان و دختر جوان به یک چیز فکر می کنند (۱۳۸۹)، ترکیب مواد روی بوم، ۱۸۰×۲۳۰ سانتی متر.

حکایت آن کس که گریخت

نقاشی های رنا فرنود

گالری اعتماد، آذر ۱۳۸۹

رنا فرنود هنرمند نقاشی است که به واسطه آثار انتزاعی اش شناخته شده است. آخرین نمایشگاه انفرادی فرنود هشت سال پیش در گالری گلستان برگزار شد و چنان به نظر می رسید که هنرمند چیزی نزدیک به یک دهه سکوت اختیار کرده است. اما نمایشگاه اخیر وی در گالری اعتماد نشان داد که این سالها برای هنرمند نه سالهای سکوت که روزگار گذار از دوره پیشین به دوران تازه کاری اش بوده است. مجموعه تازه فرنود پیکره های انسانی و جانوری را نمایش می داد که از دل زمینه اثر بیرون کشیده شده بودند و یا به تعبیر هنرمند حاوی فیگورهایی بود که در آثار انتزاعی او پنهان بودند و اینجا از تاریکی بیرون آمده و زیر نور ایستاده بودند. فرنود در خلق اثر نیز همچنان روال دوران انتزاعی اش را ادامه می دهد، بدین معنا که کار ساخت هر اثر بدون پیش طرح آغاز می شود و در سازوکاری شهودی به پایان می رسد و در این میان پیکره ها آرام آرام بر بستر زمینه زاده می شوند. چنین سازوکاری استعاره ای از حیات زمینی است.

مجموعه تازه فرنود راوی وضعیت بحران بود؛ بحرانی که نه تنها آدمها که تمامی موجودات در مواجهه با آن سهیم اند؛ موجوداتی که در بستر مشترکی با هنرمند زیست می کنند. چراکه به باور هنرمند دامنه بحران چنان فراخ شده که یکسره سپهر زیست نقاشی اش را در بر گرفته است. هنرمند، مواجهه با این بحران و ضربه حاصل از آن را به واسطه خاطره های تاریخی توصیف می کند؛ خاطره اسرایی که به امید حمام از بند خارج شده بودند اما لحظاتی بعد خود را در اتاق گاز یافته بودند. رنا فرنود در مجموعه تازه اش نقشی همسنگ به اثر و عنوان آن بخشیده بود. بدین ترتیب عنوان هر اثر گزاره ای بود که رسالت نهاد تصاویر را محقق می کرد. حکایت آن کس که گریخت، چون آفتاب بر آید به جای سایه خود سایه انسان را منعکس می کند، حیوان و دختر جوان به یک چیز فکر می کنند، حیوان زنی را که به آسمان می نگرند اندرز می دهد و ...؛ عناوینی از این دست روایت مجموعه آثار هنرمند را به محدوده زمانی-مکانی مشخصی پیوند می دهند. به واسطه عناوین آثار و نیز وضعیت زیسته مخاطبان هموطن هنرمند، روایت عام و شاید جهان شمول تصاویر جاییشان را به پدیداری مبتنی بر زمینه می سپردند.

نمایشگاه انفرادی فرنود نتیجه آثاری است که وی در دو سال گذشته آفریده است؛ آثاری که به گفته هنرمند واکنشی است نسبت به آنچه در این سالها از سر گذرانده. هنرمند موقعیت خود را به مثابه یکانی از اجتماع به سطح کلان تعمیم داده و سرگذشت نگاری اش را با روایت تاریخی یک ملت همسنگ می سازد. ■

علی اتحاد

